

چند داستان کوتاه

همراه با تحلیل

کاروتو ایشی گورو، ارنست همینگوی،
گابریل گارسیا مارکز، آنتوان چخوف و...

ترجمه و تحلیل:
شادمان شکروی

www.ketab.ir
سرشناسه: شکروی، شادمان، ۱۳۴۳ - ، گردآورنده: ترجمه
عنوان و نام پدیدآور: چند داستان کوتاه همراه با تحلیل [نویسنده:گان]
کازونو ایشی گورو... [و دیگران]: [گردآورنده] ترجمه و تحلیل شادمان
شکروی.

مشخصات نشر: تهران: هیلا، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۳۱ ص.

فروست: انتشارات هیلا؛ ۲۱.

شابک: 978-600-5639-00-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: نویسندگان کازونو ایشی گورو، ارنست همینگوی، گابریل

گارسیا مارکز، آنتوان چخوف و...

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۷

موضوع: داستان‌های کوتاه - مجموعه‌ها

موضوع: داستان‌های کوتاه - تاریخ و نقد

شناسه افزوده: ایشی گورو، کازونو، ۱۹۵۴ - م.

شناسه افزوده: Ishiguro, Kazuo

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ج ۹ ۷۶ ش ۱/ PZ

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۸۳۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۸۸۹۵۰۹



انتشارات هیلا

تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید، کوچه مبین

شماره ۴، تلفن ۵۸۵۲ ۴۰۶۶

آماده سازی، امور فنی و توزیع:

انتشارات ققنوس

* * *

چند داستان کوتاه همراه با تحلیل

کازوئو ایشی گورو، ارنست همینگوی،

گابریل گارسیا مارکز، آنتوان چخوف و...

ترجمه و تحلیل: شادمان شکروی

چاپ ششم

۵۵۰ نسخه

۱۴۰۲

چاپ نقش و نشان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۶۳۹ - ۰۰ - ۱

ISBN: 978 - 600 - 5639 - 00 - 1

Printed in Iran

۱۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۳	غروب دهکده
۳۱	کاروان ایشی گورو و غروب دهکده
۵۷	مردی با کت قهوه‌ای
۶۱	شروود آندرسن و مردی با کت قهوه‌ای
۸۳	زمان نبوغ
۸۷	ویلیام سارویات و زمان نبوغ
۹۷	یک داستان خیلی کوتاه
۱۰۱	ارنست همینگوی و یک داستان خیلی کوتاه
۱۱۹	قایق مغروق بر کرانه خشکی
۱۲۷	کارسیا مارکز و قایق مغروق بر کرانه خشکی
۱۴۳	مرد سرخوش
۱۵۱	آنتوان چنوف و مرد سرخوش

۱۶۵	بوسه
۱۷۵	ایساک بابل و بوسه
۲۱۵	در ایستگاه راه آهن
۲۱۹	ایساک بابل و در ایستگاه راه آهن
۲۲۷	منابع

پیشگفتار

... می‌گویند دنیای امروز با سرعتی عجیب به سمت کوتاه شدن و بلکه کوچک شدن پیش می‌رود. همه چیز کوچک می‌شود، خانه‌ها و اثاثیه آن‌ها، تلفن‌ها، اتومبیل‌ها، کارخانه‌ها، و البته شعرها و داستان‌ها، من عقیده ندارم که دنیای امروز از همه جهات دنیای کوچک شدن و کوتاه کردن باشد. برعکس، تصور می‌کنم این وسعت اندیشه‌ها و افکار سیلان یافته است که به شکل محدود کردن هر آنچه می‌تواند در مرزهای کوچک‌تری جاگیرد، تجلی می‌کند... تعبیر صحیح آن است که گفته شود دنیای امروز دنیای به وحدت رسیدن بسیاری از اندیشه‌ها و رویدادهایی است که در گذشته کثرت محسوب می‌شد و به همین دلیل در ذهن بشر قابل تلفیق نبود. اما بشر امروز از نظر گستره دانش صعود کرده است و با قرار گرفتن در نقطه‌ای مشرف بر اندیشه‌ها و اعمال و اهداف خویش، اینک در پی جستجوی درک پیوندهای ظریفی است که همه آن پدیده‌های عینی و ذهنی ظاهراً غیر قابل جمع را مرتبط می‌نماید. بی‌تردید از همین تحول در نگرش است که کوتاه شدن‌ها و کوچک شدن‌ها می‌تراود. دستاوردی که شاید به جای پیراستن، شایسته‌تر باشد آن را تلاش در جابجا کردن و هر چیز را در جای خود قرار دادن نامید.

چه، از همین جابجایی است که کثرت‌ها به وحدت‌ها تبدیل می‌شود و در نهایت، به شکل نوعی کوچک‌گرایی (مینیمالیسم) بروز می‌کند.

به هر حال، اینک دور دیگری در داستان کوتاه آغاز شده است. دوری که در آن لاجرم از حرکت مجموعه دنیای انسانی به سمت خردورزی و وحدت‌گرایی تبعیت می‌شود؛ به سمت جایگزین کردن اندیشه ناب در دل پدیده‌های پیرامون، یافتن عصاره ماهیت پدیده‌ها و سپس خلق مینیمالیسمی منتج از مرتبط کردن متفکرانه رویدادهای طبیعی و ساختن مجموعه‌ای از یک سو تا حد امکان هماهنگ و کارا و باشکوه و از سوی دیگر به نهایت کوچک و ظریف و قابل حمل. تا بدان حد که حتی بتوانی آن را به شکل یک بسته کوچک و شکل ولی منسجم از اندیشه‌ای قوام یافته در جیب‌های نامرئی ذهن بگذاری و به هر کجا که می‌روی با خود حمل کنی! شاید در این میان تنها تفاوت هنر و از جمله داستان کوتاه با دیگر دانش‌های بشری، ایجاد نوعی زیبایی و شکوه هنرمندانه در این ساختار کوتاه ولی به شدت در هم فشرده و لایه لایه باشد؛ هدفی که به طور بدیهی از ماهیت این گونه هنرها شکل می‌گیرد.

شاید داستان کوتاه مدرن، در تبعیت از روح زمانه می‌بایست ضرورت جامعه فعلی بشری را داستان گونه بیان کند. با زبانی داستانی و پیرو قواعد آن، همانند فیزیکدان و ریاضیدانی که همین اصول را با زبان فیزیک و ریاضی بیان می‌کند و با این باور که رفته رفته دنیای جدیدی آغاز شده است، دنیایی که دیگر در آن شناخت مطرح است و از این پس می‌بایست از پس قرن‌ها کثرت‌گرایی، به آرامی ولی با سماجت، مرزهای میان فیزیک، ریاضیات، ادبیات و داستان را از میان برد...

تحول ادبیات داستانی و از جمله داستان کوتاه در کشور ما ظرف دهه اخیر قابل توجه بوده است. تصور می‌کنم در آینده‌ای نه چندان دور، ادبیات داستانی در کشور ما پویایی شایسته خود را به دست آورد. به هر

حال، نمی‌توان و نمی‌بایست مانع تراوش اندیشه و ذوق جوانان شد و از سوی دیگر برای حفظ هویت فرهنگی خود و رسیدن به نوعی تعادل در عرصه فرهنگی جهان، نیازمند پویایی به مراتب بیشتر هستیم. در این میان، آشنایی با آثار نویسندگان برجسته و البته برخی دلایل برجستگی آثار آن‌ها ممکن است آموزنده باشد. این هدفی است که در این مجموعه دنبال شده است. اما اشاره به چند نکته ممکن است مفید فایده باشد:

اول این‌که، داستان‌های این مجموعه از روی یک خط فکری واحد و سلیقه خاص انتخاب نشده‌اند. صد البته این نویسندگان صاحب‌نام هستند و این ممکن است به نوعی انگیزه توجه به اثر آن‌ها باشد. اما این مطلق نیست کما این‌که نوشته گابریل گارسیا مارکز برخلاف آثار داستانی شایسته او، فاقد برجستگی خاص است. شاید بتوان نام آن را تصادف گذاشت و شاید بتوان به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و نوشته‌ها اشاره کرد. در حال حاضر تنها می‌توانم بگویم که ارزش خواندن و ارزش بحث کردن دارند. ارزش توجه صد البته ورای این دو قرار می‌گیرد.

دوم این‌که، بعد از هر داستان تحلیلی در باره آن آمده است. در این تحلیل‌ها، تأکید بر نکاتی است که ممکن است به درک شایسته‌تر اثر کمک کند. برخی از نکات مستقیم به داستان مربوطند و برخی غیر مستقیم. نکات غیر مستقیم هرچند به‌طور عمده برای خوانندگانی است که به تازگی با آثار نویسنده آشنا شده‌اند و از این رو می‌بایست مقداری با فضای فکری و یا شیوه‌های نویسندگی او آشنایی پیداکنند، در مواردی به کار خوانندگان حرفه‌ای نیز می‌آید. نمی‌توان منکر شد که درک برخی داستان‌ها نظیر داستان سارویان و یا داستان‌های ایساک بابل، مستقیم به آشنایی با زندگی و تاریخ نشو و نمای نویسنده نیاز دارد. علاوه بر این، در کار نویسندگانی مانند شرود آندرسن ظرافتی هست که بدون تحلیل‌های

نسبتاً دقیق و تفصیلی نمی‌توان بدان پی برد و لاجرم به دلیل عدم آگاهی قضاوت دچار اتحنا و اعوجاج می‌گردد.

سوم این‌که، شیوه کار به صورت ذکر نکات به ظاهر انتزاعی (نه در همه موارد) و اشاره به اهم آن‌ها بوده است. از این رو نکات توضیحی به صورت منقطع و شماره‌گذاری شده آورده شده است. به هر حال، این هم برای خود شیوه‌ای است کما این‌که می‌شد از شیوه‌های دیگر استفاده کرد. شماره‌گذاری بیشتر به این دلیل انجام گرفته که خواننده در فرصت کوتاه و به صورت فشرده به آنچه بایست پی برد، ضمن این‌که اگر مواردی باب طبع او نبود و یا بدان آشنایی داشت بتواند به راحتی از آن بگذرد و به موارد بعدی بپردازد.

و چهارم این‌که، نوع نگارش و نکات ذکر شده، بیشتر به حوزه نویسندگی خلاق بازمی‌گردد تا ادبیات نظری. این امر سلیقه‌ای است. بسیاری افراد هستند که همین نکات را از دیدگاه نظریه‌های ادبی می‌نگرند و البته مطالب شایسته‌ای نیز ارائه می‌کنند، اما متأسفانه افراط در بررسی از دیدگاه ادبیات نظری سبب شده است تا ویژگی‌های بارز هنری داستان‌ها مخفی بماند. در بسیاری موارد ظرایف هنری بر استنتاج‌های نظری به مراتب رجحان دارند.

چنان‌که ذکر گردید، ارائه داستان و ارائه نکاتی در خصوص داستان به طور همزمان و به صورت یک مجموعه منسجم می‌تواند برای علاقه‌مندان به نویسندگی به صورت اخص یا ادبیات داستانی به طور اعم سودمند باشد. جناب آقای احمد گلشیری در مجموعه شایسته داستان و نقد داستان چنین کرده‌اند و این روزها مشاهده می‌شود که برخی دیگر از صاحب‌نظران نیز چنین می‌کنند، تردیدی نیست که هر چه این قبیل مجموعه‌ها بیشتر و متنوع‌تر باشند، مفیدتر خواهند بود.

در انتها می‌بایست از جناب آقای مسعود شهامی پور سردبیر نشریه
وزین گلستانه و مسئولان محترم انتشارات ققنوس کمال سپاسگزاری را
داشته باشم. بی‌تردید تلاش ایشان در راه اعتلای فرهنگ و ادب در کشور
ستودنی است. ضمناً ترجمه داستان‌ها، به طور عمده، با کمک آقای
شهاب شکروی انجام گرفته است. سپاس از ایشان جای خود را دارد.

دکتر شادمان شکروی

تیر ماه ۱۳۸۸